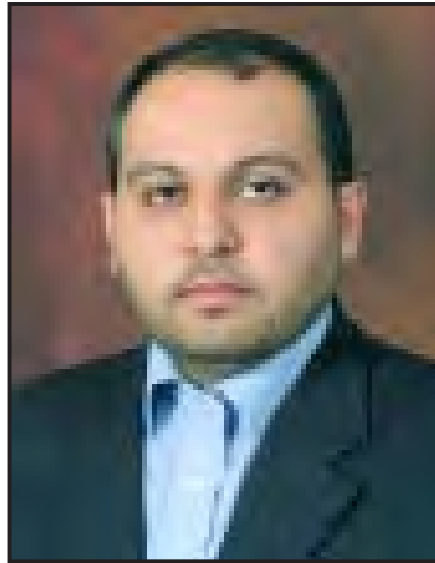


گفت و گوی ماهنامه بورس کالا با حسین خزلی خرازی؛

از ظهور بورس کالا تا کانون کارگزاران



سارا علیاری

پس از آنکه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در آذر ۸۴ قانون جدید بازار اوراق بهادار را مصوب کردند. ساختار قانونی بورس ها در اقتصاد ایران دچار تغییرات بنیادین شد. ثمره این تغییرات ادغام بورس های کالا و تولد یک بورس واحد کالا، ظهور کانون ها و نهاد های جدیدی بر اساس نیاز های این قانون بود.

کارگزاران به عنوان نخستین گروه های خود انتظام اقدام به تشکیل کانون کردند اما این پیشتازی تا چندی پیش به ثبات نسبی نرسید و دبیر کل های این کانون یکی پس از دیگری مدتی پس از صدارت این عنوان عطای کار را به لقایش بخشیدند و رفتند تا اینکه چندی پیش حسین خزلی خرازی که به عنوان سخنگوی کانون هم انتخاب شده بود با کنار کشیدن از عنوان مدیر عاملی کارگزاری بانک کشاورزی این مسولیت خطیر را قبول کرد.

این مساله بهانه شد تا با خرازی که عضو هیات مدیره بورس کالا هم هست لحظاتی را به گفت و گو بنشینیم

کالا و مشکلات کارگزاران آن، کار گروه به منظور بررسی بورس اوراق بهادار و مشکلات کارگزاران آن، کار گروهی برای تغییر اساسنامه کانون (این کار تمام نشده)، کار گروهی برای بررسی نحوه نظارت کانون بر اعضا و بازنگری قانون بازار اوراق بهادار است که این کار گروه کار طولانی تر را می برد و در نهایت کار گروه اخلاق حرفه ای است که با همکاری گروه علمی اخلاق حرفه ای دانشگاه تهران تشکیل شده و در مرحله اول در نظر دارد آئین اخلاق حرفه ای را برای صنعت کارگزاری تدوین کند به طوریکه کانون بتواند به طور کمی بر آن نظارت داشته باشد. چرا که مهمترین موضوع در اخلاق حرفه ای قابل پیش بینی پذیر تر بودن است از این رو بنگاهها، شرکتها و سازمانها چه مواردی را باید برای جلب اعتماد سرمایه گذاران رعایت کنند.

● در میان این کار گروه یکی از اهداف بررسی نحوه نظارت کانون خواهد بود، با این وجود کانون چه جایگاه نظارتی خواهد داشت؟ هم اکنون ۳ گروه نظارتی در مجموعه بازار سرمایه هست اما در اصل وظیفه نظارتی بر عهده سازمان بورس است. در همین راستا سازمان طی تفاهم نامه ای بخشی از وظایف را به بورس کالا و بورس اوراق و اگزار

عادلان و منصفانه و رقابتی در بازار سرمایه، جلب اعتماد سرمایه گذاران اعم از فردی، نهادی، افزایش دانش تخصصی، تنظیم روابط، بهبود گسترش خدمات و ... از جمله اهداف این کانون است و در کنار این وظایفی همچون پیش نهاد مقررات پذیرش، تعلیق یا لغو عضویت اعضا، نظارت بر عملکرد کانون و اعضا، ارزیابی عملکرد آنها و نظارت بر برنامه های تبلیغاتی کانون ایجاد آرامش، کمک به تدوین مقررات و ... از جمله موضوعات مورد فعالیت کانون مطرح شده در اساسنامه است.

● در میان این اهداف و فعالیتهای مورد نظر چه اولویتهای مدنظر کانون و دبیر کل آن است؟

در حال حاضر ۱۰ کار گروه به عنوان برنامه های این کانون در سال ۸۷ تشکیل شده که از میان آنها ۵ تا ۶ کار گروه اولویت جدی تر دارند. کار گروههایی به منظور ارائه ساختار نمونه کارگزاری بدین معنا که بتواند یک کارگزاری نمونه را تعریف کند که در آن بخش «order book» به منظور ثبت و ترتیب سفارشات از اولویت بیشتری برخوردار است. کار گروه کیفی و تخصصی کردن آموزشهای لازم برای بدنه و پرسنل شرکت های کارگزاری، کار گروه نحوه رتبه بندی کارگزاران، کار گروه بررسی بورس

● در حال حاضر که شما به سمت دبیر کلی کانون برگزیده شدید ساختار کانون به چه شکلی خواهد بود؟

در حال حاضر ۷ نفر عضو شورای کانون کارگزاران هستند که از این میان بر اساس نظر شورای بورس یک نفر باید در کانون باشد و هم اکنون نیز ۴ کارگزاری کشاورزی، مفید، حافظ و بانک سپه که عضو شورای کانون هستند در بورس کالا و بورس اوراق بهادار هستند. به این ترتیب هر کارگزاری که در هر بازار اعم از بورس کالا و اوراق و یا OTC بخواهد فعالیت کند باید عضو کانون باشد. تجربه یکساله کانون نشان داد از میان هیات عامل ۳ نفره می بایست یک نفر انتخاب شود به عنوان دبیر کل و این مساله هم باید با موافقت شورای بورس صورت گیرد و بعد از دبیر کل این نهاد می تواند معاون و یا کارشناسی نیز داشته باشد.

● با این تفاسیر چه الزاماتی پیش روی این کانون خواهد بود؟

از آنجایی که تمام وظایف کانون به تفسیر در اساسنامه آمده است هر کاری که به ارتقاء صنعت کارگزاری کمک کند از وظایف جدی و الزامات کانون به حساب می آید. به طور کلی در اساسنامه کانون مواردی از قبیل ایجاد یک بازار

هستند که از ورود سنگ به بورس نفع می‌برند و باعث افزایش قیمت آن می‌شوند که عمده آنها شرکت‌های سنگ آهن و سهامداران آن است اما مخالفان سیاسی آن عده‌ای هستند که بر این باورند با ورود سنگ آهن به بورس حاشیه سود فولادی‌ها کم می‌شود لذا در شرایطی که درصد بالایی از بازار در دست فولاد است با این اتفاق شاخص بورس کاهش و به تبع آن قیمت سهام فولادی افت می‌کند. اما این مسأله از دید تکنیکال‌ها نوع دیگری است موافقان تکنیکال ورود سنگ آهن که همواره به ورود آن در بورس اصرار دارند اما مخالفان تکنیکالی بر این ادعا هستند که سنگ آهن کالایی بورسی نبوده و قابلیت ورود به بورس را ندارد.

● شما جزء کدام دسته هستید؟

به طور کلی کالایی که در انحصار تولید و مصرف است و در تمام دنیا ۳ عرضه‌کننده عمده دارد نباید به بهانه شفاف شدن قیمت وارد بورس شود. کالایی باید وارد بورس شود که بالایی‌گری نتوان قیمت آن را دستکاری کرد بنابراین آزادسازی باید قبل از ورود به بورس صورت گیرد. درست مثل سیمان، سیمان کالایی بورسی است که تولیدکننده و مصرف‌کننده بسیاری دارد و دولت قبل از ورود آن به بورس قیمت آنرا آزاد کرد و این وظیفه به گردن بورس نیفتاد. در کل معتقدم از نظر فنی سنگ آهن قابلیت پذیرش در بورس را ندارد.

● از برنامه‌های هیات مدیره بورس کالا چه خبر؟

در این زمینه هم می‌شود از ۲ نظر بررسی کرد. اگر از زمان ادغام به این بورس نگاه کنید می‌بینید که هیات مدیره خیلی قوی عمل کرده به طوری که حجم معاملات زیادتر شد و بورس با کیفیت در حال اداره است اما همچنان از نظر زیرساخت هیات مدیره موفق عمل نکرده است و هنوز هم نتوانسته مشکلات جاری پیرامون پذیرش کالا و تداوم سودآوری و... را حل کند اما پیش‌بینی می‌شود طی چند ماه آینده مسئولان بورس کالا به زیرساختها بیش از سایر موارد توجه کند.

● در این میان عملکرد ضعیف رینگ کشاورزی ناشی از چیست؟

این مسأله به ذهنیت بازار برمی‌گردد. اما چند دلیل برای آن وجود دارد. یکی اینکه ۷۰ تا ۸۰ درصد ضعف به متولیان بخش کشاورزی مرتبط است که تنظیم بازار و قیمت‌گذاری به وزارت جهاد و زیرمجموعه‌هایش واگذار شد که موفق نبودند و به طور کلی ذهنیت دولت و متولیان در مورد کالاهای پذیرفته شده در بورس مثل ذرت، جو و... کاملاً سهمیه‌بندی و کنترل شده بود و دلیل دیگر ضعف عملکرد بورس کشاورزی قبلی به ضعف جدی کارگزاران این بورس باز می‌گشت.

کرد حجم و ارزش معاملات و تنوع کالاهای مبادله شده که هر دو نمره خوبی در طول این یکسال خواهند گرفت. بورسی که ۸۰ تا ۹۰ درصد آن به مبادلات فولاد اختصاص داشته در حال حاضر چنان تنوعی را از آن خود کرده که حجم عظیمی از داد و ستدها به محصولات پتروشیمی تخصیص یافته است بنابراین نمره خوبی را می‌توان به عملکرد آن داد اما نباید در نظر گرفت که مبحث اجرای پروژه‌های زیربنایی در بورس کالا بسیار جدی‌تر از بورس اوراق بهادار است چرا که زیرساخت کنونی بورس کالا جوابگوی این حجم از مبادلات نیست اما در حال حاضر هم این کارها شروع شده و امیدواریم با استقرار در ساختمان جدید به طور جدی‌تر دنبال شود. از این نکته هم نباید غافل شد که بحث دانش و تکنولوژی در بورس کالا بسیار کم است و ما از این نظر فاصله بسیاری با بورسهای دنیا داریم که باید آنرا به حداقل برسانیم.

● به مسأله تغییر ساختار و برنامه‌های بورس کالا اشاره کردید، IME به چه تحولاتی نیاز دارد؟

گرفتن مشاور خارجی و قدرت ارتباط با آن از مهمترین کارها در مورد IME است. بورس کالا باید فاصله سیستم‌ها، روش‌ها و دانش و اطلاعات خود را با بورس‌های کالا دنیا کم کند تا بتواند کار خاصی انجام شود و همین سبب شده تا بورس در حجم مبادلات، سودآوری و ارزش نمره خوبی دریافت کند اما به دلیل ضعف زیرساخت دچار بحران و مشکلات خاص شود.

● آقای خرازی یکی از مشکلات بورس کالا استفاده و اجرای قراردادهای آتی بود که به نظر خیلی‌ها این مشکل هنوز هم وجود دارد، نظر شما در این مورد چیست؟

زمانی که تعریف درستی از مسأله‌ای مانند بورس وجود نداشته باشد در کنار نبود تجربه در مورد بورسهای کالایی بنابراین حاشیه‌ها و مسائلی در خصوص اختلاف قیمت کالاها در خارج و داخل بورس و قراردادهای از جمله قرارداد آتی و... پدید می‌آید و دلیل آن این است که بورس اصولاً در یک اقتصاد رقابتی و آزاد معنا می‌یابد و در اقتصاد دستوری و کنترل شده پدیده‌ای به نام بورس بی‌معناست بنابراین اگر آزادسازی قبل از بورس صورت می‌گرفت بسیاری از مشکلات از این دست حل شده بود.

● به مشکلات بورس کالا و محصولات مورد مبادله یاد کردید به نظر شما چرا سنگ آهن به بورس نرسید؟

بینید سنگ آهن مقوله‌ای مانند بورس نفت را داشت که مخالفان و موافقان خاصی داشت که هر یک به ۲ دسته تقسیم می‌شوند. یک گروه تکنیکی‌ها و گروه دیگر سیاسی کارها موافقان سیاسی این قضیه آن دسته‌ای

کردند اما از آنجایی که اساسنامه کانون به دلیل خود تنظیم بودن بایستی اعضا بر عملکرد خود نظارت داشته باشند بنابراین اگر قرار باشد نظارت حرفه‌ای بر اعضا باشد ۳ نهاد از داخل کانون بر نحوه عملکردها نظارت می‌کنند که کار گروه تشکیل شده قرار است نحوه همکاری این کانون با سایر نهادهای نظارتی را تعیین کند به گونه‌ای که فعالیتهای این ۳ نهاد موازی هم و دست و پا گیر نباشند و در جهت رسیدن به اهداف گام بردارند.

● کانون چه نقشی را در بازار سرمایه ایفا خواهد کرد؟

در طول یکسال که از ثبت کانون و مجمع مؤسس کانون می‌گذارد این نهاد تاکنون با مشکلات بسیاری از جمله تازه کار بودن، عدم آشنایی و هماهنگی بین شورای کانون و هیات عامل، اختلافات میان اعضا هیات عامل دست و پنجه نرم کرده است که سبب شده هیچ کار جدی در زمینه انجام وظایف اساسنامه انجام نشده است اما این قول را می‌دهم که در آینده کانون کارگزاران به یکی از بزرگترین نهادهای فعال و مؤثر در بازار سرمایه تبدیل شود.

● شما به انتخاب یک نماینده از اعضا کانون در شورای بورس اشاره کردید این مسأله چه سرانجامی خواهد داشت؟

طبق قانون بازار سرمایه یکی از اعضا کانون باید در شورای بورس حضور داشته باشد اما تعریف قانون در این زمینه شفاف نیست چرا که در این تعریف ذکر شده نماینده کانونها بنابراین در شرایط حال حاضر که ۲ کانون کارگزاران و کانون نهادهای مالی و سرمایه‌گذاری وجود دارد لذا انتخاب یک نماینده از میان آنها کار سختی است اما به هر شکل این مسأله جز مواردی است که به زودی حل و یک نماینده به شورای بورس معرفی می‌شود.

● با وجود برنامه‌هایی که کانون کارگزاران دارد فکر می‌کنید چه مواردی به توسعه بازار سرمایه کمک خواهد کرد؟

از آنجایی که بازار سرمایه با زندگی و آبروی میلیون‌ها انسان روبروست لذا باید رفتارهای معقول و قابل پیش‌بینی داشته باشند لذا در این صورت با حرف دشوار مشکلات حل نمی‌شود ضمن اینکه با تداوم خصوصی‌سازی مشکلات بیشتر خواهد شد مگر آنکه هم‌راستا با این اقدامات زیرساختهای بسترهای لازم فراهم شود و در کنار آنها تکنولوژی‌های روز وارد کشور شود چرا که پروژه‌های زیربنایی بازار سرمایه نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم خواهد بود.

● آقای خرازی به عنوان عضو هیات مدیره بورس کالا عملکرد این نهاد را در طول یکسال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این زمینه از ۲ حیث می‌توان بحث